

ترتیبات امنیت جمعی: الگویی نو برای ایجاد امنیت در خلیج فارس

محمد رضا اقارب پرست¹

چکیده

ویژگی، ساختار و بهم پیوستگی امنیت در منطقه خلیج فارس، باعث شکل‌گیری شبکه‌ای از روابط امنیتی میان کشورهای این منطقه شده است. بر این اساس، امنیت این کشورها را نمی‌توان جدا از یکدیگر تصور کرد، به گونه‌ای که هر گونه تغییر و تحول در وضعیت یکی از این کشورها باعث می‌گردد موقعیت دیگران نیز تحت تاثیر قرار گیرد. این امر به نوبه خود تشکیل یک مجموعه یا «زیر مجموعه امنیتی منطقه‌ای» را در این منطقه باعث می‌شود. از سوی دیگر، این منجر به ایجاد «وابستگی متقابل امنیتی» میان اعضای این مجموعه گردیده است. بدین ترتیب، باید پذیرفت که مقابله با تهدیدات و چالشها در سطح منطقه نیز نخست باید با حضور همه اعضای این مجموعه صورت پذیرد و در مرحله بعد حل این چالشها تنها با یک اقدام جمعی از سوی تمامی اعضای این مجموعه و در قالب مدیریت امنیتی جمعی چند جانبه امکان پذیر خواهد بود.

واژگان کلیدی: امنیت جمعی، وابستگی متقابل امنیتی، خلیج فارس، مجموعه امنیت منطقه ای

1 دکتری روابط بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران aqareb@gmail.com

مقدمه

بر اساس تعریف، یک «مجموعه امنیتی منطقه‌ای» گروهی از کشورها را شامل می‌گردد که وابستگی متقابل امنیتی میان آنان به حدی است که امنیت ملی آنان را نمی‌توان جدا از یکدیگر فرض نمود. (بوزان، 1378: 216) این تعریف دو نتیجه در پی دارد: نخست وابستگی‌های متقابل امنیتی در یک مجموعه امنیتی به گونه‌ای است که باعث شکل‌گیری شبکه‌ای از روابط امنیتی میان اعضای آن مجموعه می‌گردد و دیگر این که این وضعیت به شکلی است که هر گونه تغییر و تحول در موقعیت هر یک از اعضا، موقعیت سایر اعضا را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهد. این نیز به نوبه خود دو پیامد مهم در بر دارد: نخست در یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای امنیت تمامی اعضا به هم وابسته است و دیگر این که این امر باعث خواهد شد تا اعضای مجموعه برای تامین امنیت و مقابله با تهدیدات پیش روی، ناگزیر از تعامل و همکاری باشند.

منطقه خلیج فارس را از این جهت می‌توان یک مجموعه یا زیر مجموعه امنیتی منطقه‌ای دانست. با این حال، هدف اصلی در این مقاله بحث در خصوص تبیین منطقه خلیج فارس به عنوان یک مجموعه یا زیر مجموعه امنیتی منطقه‌ای نیست، هر چند به درستی منطقه خلیج فارس را باید جزء مجموعه امنیتی منطقه‌ای خاورمیانه به حساب آورد زیرا تحولات امنیتی این منطقه آشکارا از تمام منطقه خاورمیانه تاثیر می‌پذیرد و همچنین بر آن تاثیر گذار است.

بر این اساس، تلاش عمده در این مقاله پاسخ به این سوال است که چه نوع ویژگی و عواملی باعث می‌شود که منطقه خلیج فارس را به عنوان یک مجموعه یا زیر مجموعه امنیتی منطقه‌ای در نظر بگیریم؟ پس از آن و در جهت تبیین این فرضیه که تنها راه حل مقابله با تهدیدات و چالشها در سطح منطقه‌ای اقدام دسته جمعی با مشارکت همه اعضاست، تلاش خواهیم نمود.

1) خلیج فارس به عنوان یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای

تعیین و شناخت مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای ناشی از ویژگی‌هایی است که در جهت تشریح و توضیح تعاملات امنیتی دسته‌ای از کشورها بکار می‌رود. باری بوزان نظریه پرداز مجموعه امنیتی منطقه‌ای در جهت شناخت یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای ویژگی‌هایی را لازم و ضروری می‌داند. وی بر این باور است که یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای دارای عناصری بدین شرح است:

اولین و مهمترین ویژگی برای شناخت یک مجموعه منطقه‌ای، وجود وابستگی متقابل امنیتی یا آن گونه که خود بوزان اظهار می‌دارد وجود احساس تهدید یا ترس متقابل میان دو یا چند دولت مقتدر است (بوزان، 1378: 219). این مسأله را می‌توان در وجود نگرانی‌های عمده امنیتی کشورهای همجوار خلیج فارس یافت. با این حال، وجود این نگرانی‌ها همچنین از جمله عوامل اصلی ایجاد وابستگی متقابل میان اعضای یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای نیز می‌باشد. این ویژگی بدان معنا است که ساختار امنیتی در یک مجموعه امنیتی به گونه‌ای است که هر گونه تغییر و تحول در موقعیت هر یک از واحدهای سیاسی، بر موقعیت سایر واحدها تأثیرگذار خواهد بود. این عنصر ویژگی کلیدی در نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای است.

دیگر ویژگی یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای، وجود الگوهای دوستی و دشمنی است. اما شاید بهتر باشد در جهت تطبیق این ویژگی با منطقه مورد بحث یعنی خلیج فارس، از واژه تعدیل یافته دوستی و سوء تفاهم به جای دشمنی میان کشورهای این منطقه استفاده کنیم. این ویژگی عمدتاً ناظر بر وجود اختلافات میان کشورهای عضو یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای است. برخی از این اختلافات در حال حاضر، به عنوان مثال، به اختلافات ارضی و مرزی کشورهای منطقه خلیج فارس اشاره دارد. اختلافات مرزی میان عراق و کویت، اختلاف عربستان و کویت بر سر جزایر قارو و ام المرادم، اختلاف عربستان سعودی و قطر بر سر برخی نواحی مرزی، اختلاف بحرین و قطر بر سر مجمع الجزایر حواری، اختلاف عربستان سعودی و امارات متحده عربی (ابوظبی) بر سر مناطق بوریمی و لیوا، اختلافات امارات متحده عربی و عمان بر سر نواحی منطقه دیا نمونه ای از این موارد است.

اما سومین ویژگی مجموعه امنیتی منطقه‌ای یعنی مجاورت جغرافیایی محل اختلاف است. هرچند این ویژگی یک عامل لازم در تشکیل یک مجموعه امنیتی منطقه به حساب می‌آید، اما همان گونه که لیک و مورگان (لیک، 1381: 54-51) استدلال می‌کنند دارای اشکال است. بر این اساس، ایالات متحد آمریکا در حال حاضر به عنوان یک قدرت خارجی اما تاثیرگذار بر مجموعه امنیتی منطقه‌ای در خلیج فارس عمل می‌کند، در حالی که از لحاظ جغرافیایی جزء این مجموعه محسوب نمی‌گردد.

دیگر ویژگی مهم یک مجموعه منطقه‌ای وجود حداقل دو کنشگر موثر در آن است. ایران، عربستان و عراق از دیرباز از جمله کنشگران مهم و تاثیرگذار در منطقه خلیج فارس محسوب می‌شوند. بررسی تاریخچه منازعات منطقه نشان می‌دهد که این سه بازیگر موثر در چند دهه اخیر رقابتها، کشمکش‌ها، و همکاری‌های زیادی را پشت سر گذارده‌اند که این خود نشان از نقش فعال ایشان در این منطقه دارد.

اگرچه مجموعه امنیتی خلیج فارس به دلیل اهمیت فراوان ارتباط پیچیده‌ای با سایر مجموعه‌های امنیتی دارد، اما باید در نظر داشت که ارکان و اجزای این سامانه امنیتی در مقاطع زمانی مخلف مستقل از سایر مجموعه‌های امنیتی عمل کرده است. به عنوان مثال، اگرچه این مجموعه امنیتی با مجموعه‌های امنیتی در آسیای مرکزی، شرق آسیا، و جامعه امنیتی فرآتلانتیک در تعامل بوده و در بسیاری از موارد از این مجموعه‌های امنیتی تاثیر پذیرفته، اما این امر خدشه‌ای در استقلال این مجموعه امنیتی از سایر مجموعه‌ها وارد نمی‌کند.

2) تکرر ابعاد امنیت و لزوم توجه به ابعاد پیچیده آن در منطقه خلیج فارس

اگر امنیت را در شکل موسع آن آن گونه که مورد نظر مکتب کپنهاک است تعریف کنیم، در این صورت ملاحظه می‌کنیم که با وجود برخی تهدیدات امنیتی دائمی در منطقه که از گذشته وجود داشته است، در حال حاضر ضروری است تا به دیگر ابعاد امنیت در سطح منطقه نیز توجه بیشتر شود. ابعاد اقتصادی، زیست محیطی و اجتماعی نیز علاوه بر ابعاد نظامی و سیاسی، به خصوص طی سالهای اخیر، در خور توجه بیشتر است. به عنوان مثال، بعد زیست محیطی امنیت در منطقه

خلیج فارس با توجه به آلودگیهای شدید منطقه و تشدید بحران آب در طی سالهای اخیر لزوم توجه بیشتری از سوی کشورهای منطقه را می‌طلبد.

اقدامات گروههای تروریستی و حضور نیروهای فرامنطقه‌ای نیز جز نگرانیهای اصلی کشورهای منطقه است. خروج این نیروها می‌تواند به رفع سوء تفاهات میان کشورهای منطقه و فراهم کردن زمینه‌های همگرایی و تعامل بیشتر میان اعضا کمک نماید، زیرا نفوذ قدرتهای خارجی در منطقه و در بسیاری موارد با مداخله در امور منطقه‌ای، برگزینیه‌های پیش روی کشورهای منطقه تاثیر گذاشته است و انتخاباتهای آنان را محدود نموده است (لیک، 1381: 373).

3. تامین امنیت منطقه‌ای در چهارچوب سامانه امنیت دسته جمعی

در سطور قبل تلاش شد تا مشخص گردد که خلیج فارس را می‌توان به عنوان یک مجموعه یا به دیگر تعبیر زیر مجموعه امنیتی منطقه‌ای در نظر گرفت. اکنون و پس از تعیین خلیج فارس به عنوان یک مجموعه، برای تنظیم روابط امنیتی میان کشورهای عضو از یک سو و مقابله با تهدیدات و چالشهای درون و برون منطقه‌ای از سوی دیگر، به یک سامانه امنیتی کارآمد نیاز است. بنابراین فارغ از هرگونه برداشت و ادراکی از سوی کشورهای عضو مجموعه، تعامل و همکاری آنها در چهارچوب یک نظم امنیتی بیش از آن که تابع اراده و خواست آنها باشد، برخاسته از یک ضرورت و نیاز مشترک است. بر این اساس، کشورهای این منطقه در یک سامانه امنیتی به هم پیوسته و به عنوان یک مجموعه متاثر از وابستگی متقابل امنیتی میان همدیگر به سر می‌برند. این امر بیش از هر چیز دیگر بیانگر این مسأله است که تنها راه مقابله با تهدیدات و چالشهای موجود و نیز تأمین امنیت و حفظ ثبات در منطقه، استفاده از سازوکاری است که در آن تمامی اعضا و با مشارکتی همه جانبه حضور داشته باشند. استفاده از سامانه امنیت جمعی این فرصت و امکان را در اختیار کشورهای منطقه قرار خواهد داد (McMillan, 2003: 161 -).

بنابراین، مدیریت جمعی چند جانبه هنگامی شکل می‌گیرد که مدیریت و تامین و حفظ امنیت و صلح در یک مجموعه امنیتی نه تنها منحصر به قدرتهای بزرگ نیست بلکه باید با موافقت سایر اعضای کوچکتر نیز باشد (لیک، 1381: 59) و در یک نظام امنیت جمعی حقوق همه کشورها، حتی کشورهای کوچک، نیز به رسمیت شناخته شود (عبداله‌خانی، 1383: 370). این بدان معنی است که موفقیت یک سامانه امنیت جمعی در این است که مشارکت همه جانبه و حضور تمامی اعضای یک مجموعه فارغ از سلسله مراتب قدرت، برای تأمین و ثبات کل مجموعه ضروری است (McMillan, 2003: 165).

از سوی دیگر، نظام امنیت جمعی می‌کوشد تا توجه کشورهای درگیر در مجموعه را به برخورداری از منافع بیشتر در صورت همکاری در خصوص موضوعات و مسایل مشترک مورد نظر کشورهای عضو سامانه مذکور جلب نماید، زیرا هدف اصلی در یک سامانه امنیت جمعی، تعامل در مورد مسایل مشترک و قابل توجه تمامی طرفها است و تلاش دارد که اعضا در خصوص ادراکات خود در زمینه تهدیدها و فرصتهای موجود در جهت ایجاد تغییرات مثبت در جهت نیل به منافع بیشتر به اجماع و توافق برسند (کریگ، 1386، ص 28). بنابراین، کشورهای منطقه فارغ از برخی اختلافات می‌توانند به منافع مثبت حاصل از همکاری و همگرایی در جهت مقابله با تهدیدات و چالشها در سطح منطقه بیندیشند. مجموعه امنیتی خلیج فارس نیز متشکل از کشورهایی خواهد بود که علیرغم وجود برخی اختلافات، در خصوص بسیاری از تهدیدات و چالشهای منطقه‌ای نگرانیهای مشترکی دارند (Pollack, 2003: 18). ثبات در منطقه، حل بحران عراق، تامین و تضمین جریان آزاد انتقال انرژی، همکاریهای اقتصادی و تجاری میان کشوری، مبارزه با تروریسم، مقابله با بنیادگرایی و افراطی‌گری و جرایم سازمان یافته و مهاجرت‌های غیر قانونی و قاچاق مواد مخدر و تخریب محیط زیست از جمله نگرانیها و دغدغه‌های مشترک کشورهای منطقه است.

در آخر، این که نظام امنیت جمعی می‌تواند از سوی ایران نیز پذیرفته شود، سابقه ایران در تامین امنیت منطقه‌ای این ادعا را تایید می‌کند. سامانه امنیت جمعی در واقع جزء اولین خواسته‌های ایران بوده است. پس از خروج نیروهای انگلیسی از منطقه خلیج فارس ایران بر این باور بود که هر سامانه امنیتی برای منطقه که حتی بدون مشارکت یکی از کشورهای ساحلی باشد

افزون بر ناقص بودن، به عنوان تهدیدی علیه کشور یا کشورهای غیر عضو این سامانه تبدیل خواهد شد (مجتهدزاده، 1380: 5).

نتیجه گیری

در حال حاضر کشورهای حوزه خلیج فارس در شبکه‌ای از تعاملات و وابستگیهای متقابل امنیتی به هم پیوند خورده‌اند. این امر شکل‌گیری یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای در خلیج فارس را سبب گردیده است. بنابراین کشورهای منطقه از لحاظ امنیتی به شدت تحت تاثیر اقدامات همدیگر خواهند بود. از سوی دیگر، این کشورها عمدتاً نگرانیهای مشترکی در خصوص تهدیدات و چالشهای امنیتی در سطح منطقه دارند. این مسأله بیش از هر چیز دیگر نشان آن است که مقابله با این چالشها تنها از طریق اقدام جمعی با مشارکت تمامی کشورهای منطقه میسر خواهد بود. بدین ترتیب سامانه امنیت جمعی در منطقه خلیج فارس سامانه‌ای بر پایه مشارکت تمامی اعضا خواهد بود و به عنوان محلی مناسب برای طرح مسایل و دغدغه‌های امنیتی و نگرانیهای مشترک اعضا و همچنین مکانی برای شکل‌گیری الگوهای اعتماد ساز میان اعضا عمل خواهد نمود. با این حال این مسأله تا حدود زیادی به برداشتها و ادراکات کشورهای منطقه از این واقعیت بستگی خواهد داشت. بنابراین فارغ از هرگونه پیش زمینه‌های ذهنی گذشته یک برداشت واقع-گرایانه از سوی کشورهای حوزه خلیج فارس مطمئناً سودمندی‌های بسیاری در جهت مقابله با تهدیدات و چالشهای موجود در سطح منطقه به همراه خواهد داشت.

منابع

ابراهیمی شهروز(1386)، «سامانه جدید قدرت در خلیج فارس»، گزارش پژوهشی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ مجدد.

باری بوزان (1378)، «مردم، دولتها و هراس»، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

کریگ مایکل (1386)، «بررسی چهارچوبهای امنیتی جایگزین در خلیج فارس»، ترجمه حدیجه حیدری، گزارش پژوهشی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ مجدد.

لیک دیوید ای. و پاتریک ام. مورگان (1381)، «نظمهای منطقی‌ای: امنیت سازی در جهانی نوین»، ترجمه سید جلال دهقانی فیروز آبادی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

یافه میکائیل دی (1386)، «خلیج فارس و نظام امنیتی جدید در خاورمیانه»، ترجمه عسگر قهرمانپور، گزارش پژوهشی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ مجدد.

Joseph McMillan. (2003) "Toward a New Regional Security Architecture", The Washington Quarterly, Summer, Vol. 26.

Michael Kraig. (2004) "Assessing Alternative Security Framework for the Persian Gulf ", Middle East Policy, Fall, Vol. 11.

Kenneth M, Pollack. (2003) "Securing the Persian Gulf ", The Brookings Review Fall, Vol. 21.

Norman Friedman. (2007) "Shield and Sword: The United States and the Persian Gulf ", Journal of Cold War Studies, Fall, Vol.7.

Daniel Neysmith. (2007) "International Security in a Global Age: Securing the Twenty-First Century", International Affairs, Jan.

Cha Victor D. (2007) "Globalization and the Study of Regional Security", Journal of Peace Research, May.